

## سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی\*

### مقدمه

قبل از اینکه بخواهیم به دیدگاه و مواضع سازمان و سیر تطور آشنا شویم، لازم است مقدمه در این مورد داشته باشیم:

با نگاهی به دیدگاههای مختلف این سازمان، می توان یکی از معیارهای جناح بندی در ایران را ناشی از اختلافات در درون این تشکیلات که بعداً دامنه این اختلافات به حزب جمهوری اسلامی تسری پیدا کرد؛ دانست. در نهایت در درون حزب دو جناح فعال و قدرتمند شکل گرفتند که از یک طرف افراد روشنفکر مذهبی که شامل گروهی از مهندسیین و تحصیل کرده دانشگاهها بودند در عین حالی که میرحسین موسوی در راس آنها قرار داشت، و از طرفی دیگر جناح موسوم به بازار بوجود آمد که در این میان سیدمحمدحسین بهشتی خاکریز این دو جناح بوده است، بطوری که بعد از ایشان دامنه اختلافات شدت بیشتری یافت تا اینکه در سال 64 دامنه اختلافات به اوج خود رسید. بطوری که در معرفی پست نخست وزیری در پائیز 74 از سوی جناح موسوم به راست سنتی، آیت الله مهدوی کنی و از سوی جناح موسوم به چپ، میرحسین موسوی را معرفی شد. (از میان 100 نفر از 270 نفر نماینده مجلس دوم به میرحسین موسوی رای ندادند). بعد از این مرحله بود که دو جناح بر سر موضوع «بند ج قانون زمین شهری»، «قانون کار» و «قانون تعاونی تولیدی» دچار اختلاف شدید شدند. که در ادامه به برخی از این موضوعات پرداخته می شود.

\* . کتابی در رابطه مواضع و دیدگاههای سازمان توسط نویسنده در دست انتشار می باشد.

## تاریخچه و سیر تطور

### دوره اول :

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به طور رسمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد عرصه سیاسی و اجرایی کشور شد.

این تشکل از گروههای هفتگانه ای تشکیل شده بود که دارای ایدئولوژی نسبتاً واحدی نسبت به مبارزه با حکومت پهلوی بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی اعضاء عناصر تشکیل دهنده سازمان تصمیم گرفتند براساس استراتژی واحد فعالیتها خود را تحت عنوان یک سازمان انقلابی و معتقد به خط امام خمینی (ره) سازماندهی نمایند. که استراتژی واحد آنها عبارت بود از: [یکم] ایدئولوژی اسلامی [دوم] اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی [سوم] پذیرش رهبری امام خمینی (ره) [چهارم] اعتقاد به مبارزه مسلحانه .

انتخاب این استراتژی ها خطی مشی کلی سازمان را با بقیه گروههای سیاسی مشخص می کرد.

سازمان در بیانیه ای در 58/1/16 به طور رسمی اعلام موجودیت رسمی نمود. بطوری که در مراسمی که به همین منظور در دانشگاه تهران برگزار شد؛ ابوالحسن بنی صدر سخنرانی نمود.

در بیانیه اعلام موجودیت سازمان آمده است : «سازمان مجاهدین انقلاب، خود را در برابر خدا و خلق، مسئول پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تکامل و گسترش آن در

جهان می داند. این سازمان متعهد است . که با عناصر، سازمانها، حکومتها و ابرقدرتها و هر جریانی که علیه گسترش و تحقق انقلاب اسلامی عمل کند، از امپریالیسم های جهان خود و راست و چپ و یا متجاوزان صهیونیست گرفته تا عناصر منافق، منحرف و فرصت طلب داخلی، مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی کرده و در صورت لزوم قاطعانه و با یقین به یاری خدا با تمامی قدرت دست به حمله نظامی بزند در قلب هایمان این شوق می تپد که جمهوری اسلامی ما را به یاری خدا، زمینه ای برای آن حکومت واحد و عدالت گستر جهانی به رهبری منجی بشر، ولی عصر(عج) مهدی موعود جهان باشد.»<sup>(1)</sup>

این سازمان از لحاظ مواضع با دیگر گروههای خط امام (ره) دارای مواضعی مشترک بود. بطوری که در پاسخ به دعوت ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت وقت جهت شرکت در همایش و میزگرد مشترک گروهها می گوید «ما به دلیل اعتقاد ایدئولوژیکی خویش مبنی بر عدم سازش و پذیرش باطل در هر چهره و همچنین استراتژی برخاسته از متن عقیده مان و به پیروزی از روش رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی، در گردهمایی گروههای سیاسی مختلف با جبهه گیری های سیاسی عقیدتی معلوم شرکت نخواهیم کرد و اعلام می کنیم این نوع سر یک میز نشستن ما، به رسمیت شناختن عناصر است که اعمال و ماهیتشان برای توده مردم مسلمان مشخص است»<sup>(2)</sup>

در عین حال این سازمان در اعتراض به عملکرد (دولت مرحوم بازرگان) در مبارزه با ضدانقلاب طی نامه ای خطاب به وی می نویسد: «لازمه مذاکره با ضد انقلاب مبادله امتیاز است، با کسانی که نه تنها هیچ مقبولیتی و مشروعیتی ندارند، بلکه غارتگر و قاتل و ضد

انقلاب هستند، در هیچ صورتی مذاکره نمی توانیم داشت یا باید از آن منطقه (کردستان) چشم پوشید و یا جنگید و جنگیدن هم لازمه اش کشتن و کشته شدن است»<sup>(3)</sup>

از سوی دیگر، پس از انتخاب بنی صدر جهت ریاست جمهوری سازمانی که بنی صدر را جهت سخنرانی در مراسم اعلام موجودیت دعوت کرده بود. به سبب رفتارهای غیراصولی بنی صدر در مقابل گروههای خط امام (ره) طی نامه ای سرگشاده به وی نوشت «مشاهده می شود که یک اتحاد ناهمگون ولی همه جانبه از سوی نهضت آزادی، جبهه ملی، مجاهدین خلق، دفتر هماهنگی، جاما، مائوپیستهای تازه مسلمان و برخی از عناصر کج فهم و روحانیون خصلت دار برقرار شده است که نخستین بار ما در اولین پیامهایی به مجلس شورای اسلامی آن را نشان دادیم. اما آنچه صدور این نامه سرگشاده را باعث شده و روی سخن ما را مشخصاً با شما نموده، تا سف ما از این موضوع است که شما با آنکه در موضع رسمی رئیس جمهوری کشور اسلامی قرار داریم. عملاً به خواست این عناصر و گروهها متضاد ولی مستمر در برابر خط امام تن دادید»<sup>(4)</sup>

در هر حال فعالیت سازمان در چارچوب اهداف تعیین شده در اولین بیانیه خود بود. اما در مدتی چند درون سازمان دچار اختلاف گردید. این اختلاف ناشی از، صدور بیانیه برای روز کارگر و درگذشت دکتر علی شریعتی و انتخاب نماینده در جهت ارتباط میان سازمان و امام (ره) بود. که دارای دو انشعاب<sup>(5)</sup> از لحاظ فکری- اعتقادی گردید:<sup>(6)</sup>

الف) گروههایی که معتقد به شعارهای کمونیستی بودند.

ب) گروههایی که اعتقاد به کمونیسم و شعار کمونیستها نداشتند.

گروه اول، روز کارگر را متعلق به کمونیست‌ها می‌دانستند. و معتقد به حمایت از کلیه کارگران نمی‌شدند، در مقابل، گروه دوم، روز کارگر متعلق به همه کارگرها می‌دانستند و اعتقادی به نظریه کمونیستی کارگر نداشتند و کارگران را جزء محرومین و مستضعفین می‌دانستند. این گروهها در مسائل «سه‌میه بندی کالاها» و «کوپنی کردن ارزاق عمومی» و «قانون کار» و «اصلاحات ارضی» اختلاف سلیقه داشتند.

دامنه اختلافات به جایی رسیده بود که امام (ره) مجبور به دخالت شد و خطاب به راستی کاشانی که رابط ایشان بود فرمود: «حتماً خود شما باشید، صلاح نیست غیر از شما! خود شما باشید. چون شما به امور سازمان آشنا هستید، به کارتان ادامه بدهید. بیش از پیش هم باید و بیشتر و بهتر از قبل هم کارتان را انجام دهید. نظارتتان را هم بیشتر کنید تا ببینیم با اینها چه باید کرد<sup>(7)</sup>».

در جایی دیگر امام (ره) اشاره نمودند: «من به هیچ وجه آقای راستی را عوض نمی‌کنم، بروید با ایشان مسئله را حل کنید»<sup>(8)</sup> از سوی دیگر امام در 61/3/13 در ملاقات با راستی کاشانی فرمودند: «اینکه نظارت نمی‌شود، نظارت آن است که نظر ناظر دخیل باشد، شما محکم بگیرید، هر کسی خواست می‌ماند و هر کس نحو است دنبال کار دیگر می‌روید»<sup>(9)</sup>.

در هر حال به سبب عدم حل و فصل مسائل درونی سازمان و تاکید امام (ره) بر ابقاء راستی کاشانی در زمستان سال 61، بهزاد نبوی، محمد سلامتی و محسن آرمین از اعضاء شاخص جناح موسوم به چپ سازمان استعفا می‌دهند و دوره اولیه فعالیت سازمان به پایان می‌رسد.

### دوره دوم :

اعضای مستعفی سازمان بعد از این مسئله به خدمت در نهادهایی همچون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی اقدام ورزیدند و عین حال امام شرکت نیروهای نظامی در گروههای سیاسی را نادرست توصیف نمود. که برخی از اعضای سازمان خدمت به سپاه<sup>(10)</sup> در آن موقع را بر کار سیاسی ترجیح داده اند. و به سبب موقعیت جنگی به فعالیت بیشتر اعضای سازمان در مناطق جنگی و پشتیبانی از جنگ فعالیت سیاسی آنها به سردی گرایده بود.

در نهایت راستی کاشانی در مهر 1365 طی نامه ای خطاب به امام (ره) با اشاره به درگیر بودن بسیاری از اعضای سازمان در مسائل جبهه و جنگ از ایشان تقاضای انحلال سازمان را نمودند که امام (ره) با انحلال سازمان موافقت نمودند.

### دوره سوم:

پنج سال پس از پایان جنگ تحمیلی، جناح موسوم به چپ سازمان با افزودن پسوند «ایران» به انتهای عنوان سازمان در سال 1370 موفق به مجوز فعالیت از وزارت کشور شدند که عناصر تشکیل دهنده آن عبارتند از: 1- بهزاد نبوی 2- محمدسلامتی 3- محسن آرمین 4- مصطفی تاج زاده 5- هاشم آغاچری 6- فیض اله عرب سرخی 7- سعید حجاریان.

سازمان جدید تاکنون فعالیتی نیمه مخفی و نیمه علنی داشته است. در عین حال که رفتاری کاملاً حزبی دارد. اما تاکنون برخلاف دیگر احزاب و تشکلهای سیاسی فاقد کنگره

سراسری بوده است ارگان رسمی سازمان در هفته نامه «عصرما» می باشد که از سال 73 تاکنون به تنویر افکار عمومی جهت تعیین مواضع سازمان می پردازد.

### چگونگی فعالیت اعضاء در دولت

این سازمان مهمترین تشکل گروههای خط امام (ره) پس از مجمع روحانیون مبارز می باشد (با توجه به سابقه فعالیت). به دلیل اینکه اعضای برجسته این سازمان در زندانهای رژیم پهلوی دوم (محمدرضا شاه) از ارتباط نزدیکی با شهید رجایی برخوردار بودند، پس از تشکیل اولین دولت که در حاکمیت حزب... قرار داشت. به کمک و همیاری با این دولت پرداختند. به عنوان مثال، دو عضو برجسته کنونی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (محمد سلامتی دبیرکل و بهزادی نبوی عضو دیگر این سازمان) در دولت شهید رجایی به عنوان وزیر کشاورزی و وزیر، مشاور و سخنگویی دولت انجام وظیفه می کردند.

در پی شروع جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و مساله گروهکها، اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از یکسو اندیشه سیستم بهینه بندی کالاها و توزیع آن در سطح کشور را پیگیری کرد که منجر به سیستم توزیع کوپنی کالا به منظور مقابله با شرایط بحرانی کشور شد و از سوی دیگر مقابله فکری با مجاهدین خلق را به عنوان یکی از گروهکهای معارض نظام بدنبال کردند. در واقع مقابله و مجادله فکری اعضای این سازمان و مجاهدین خلق در دوران اولیه پیروزی انقلاب اسلامی در واقع دنباله مجادله و مبارزه فکری آنها علیه یکدیگر در زندانهای رژیم پهلوی دوم بوده است.

نزدیکی ظاهری، خط و مش اقتصادی مورد نظر برخی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در اوایل پیروزی انقلاب با «نظریه های اقتصادی دولت محور» سبب شد تا رقبای این سازمان، آنها را به کپی برداری از خط مشی سوسیالیسم متهم کنند. مخالفان این گروه با حمله به سیاستهای اقتصادی دولت وقت «کوپنیسم را معادل کمونیسم» می دانستند و به آنها انتقاد می کردند. از سوی برخی از جناحهای رقیب مورد سرزنش قرار گرفت و یکی از اعضای رده بالای این سازمان که در درون دولت قرار داشت، متهم به اعمال شیوه های کمونیستی در اداره کشور و حتی خرابکاری شد که دفاع حضرت امام خمینی (ره) از وی موجب کاهش حملات علیه او شد.

### عناصر و واحدهای تشکیل دهنده سازمان قبل از انحلال

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر گروههایی که آنها را مارکسیستی و التقاطی می نامند به مانند (چریکهای فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق) برخی از گروهها به صورت مستقل ضمن فعالیتهای ایدئولوژیک، خطی مشی مسلحانه را به عنوان یکی از شیوه های مبارز در پیش گرفتند.

بعد از پیروزی انقلاب این گروهها، گروه بزرگتری تحت عنوان «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» شکل گرفت و طی بیانیه ای در 1358/1/16 به طور رسمی اعلام وجود نمود.



## 1) گروه امت واحد

این گروه از اجتماع تعدادی از نیروهای انقلابی زندانی و فعال سیاسی دوران شاه سابق از افراد شاخص آن می توان بهزاد نبوی و محمد سلامتی، پرویز قدیانی، صادق نوروزی، علی شجاعی زند، احمد عزت شاهی (مطهری)، محسن مخملباف، فریدون وری نژاد، را نام برده که فعالیت مسلحانه داشتند به وجود آمد. محمد سلامتی در رابطه با این گروه می گوید: «گروه امت واحد از نیروهای داخل زندان بودند که من و مهندس نبوی و تعداد دیگری از برادران که در داخل زندان بودند؛ این گروه را تشکیل داده بودیم<sup>(11)</sup> در عین حال حوزه عمل آنها در داخل زندان ها بود. این گروهها در نهادها و ارگانهایی مانند: سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی و ارتش فعال شدند. آنها از لحاظ فکری به ارزشهای اصیل اسلامی اعتقاد داشتند و به دور از تفکرات مارکیستی و سوسیالیستی بودند. به همین دلیل از سازمان مجاهدین خلق که تفکرات مارکیستی و سوسیالیستی و اسلامی - التقاطی داشت، متمایز شدند.<sup>(12)</sup>

سلامتی دبیر کل سازمان در رابطه با تمایز این سازمان با مجاهدین خلق گفت: «تمام تلاش گروههای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی این بود که براساس نص صریح قرآن و احادیث، فعالیت کنند و اگر به این مسئله توجه نمی کردند خیلی راحت تر و بهتر بود که در قالب سازمان مجاهدین خلق فعالیت کنند.»<sup>(13)</sup>

## 2) گروه منصورون

این گروه قبل و بعد از انقلاب فعالیت سیاسی داشت. و از سال 1349 با تشکیل هسته های مبارزاتی در شهرهای خرمشهر، دزفول، اهواز مبارزات خود را به شکل مخفی و علنی علیه رژیم شاه انجام می دادند و وجه متمایز آنها با بقیه گروهها این بود که مبارزاتشان بیشتر به شکل مسلحانه بود. از بنیانگذاران شاخص آن می توان، محسن رضایی، علی شمخانی، ذوالقدر، شهید غلامحسین صفاتی دزفولی که نقش ایشان در تشکیل این گروه در سال 54 حائز اهمیت است، را نام برد. از اقدامات شهید صفاتی دزفولی در درون گروه می توان به الف) انتخاب نام گروه منصورون که با توجه به مضمون آیه شریفه «ان جندنا لهم المنصورون» می داند. ب) حذف کلمه «خانه تیمی» به انتخاب کلمه «حصن» که علت انتخاب آن با توجه به مضمون این جمله «کلمه لا اله الا الله حصنی» می باشد.

ج) حذف روش «انتقاد از خود» که یکی از ویژگی های گروه مارکسیستی بود به انتخاب روش سفارش یکدیگر به حق. (14)

محسن رضایی یکی از بنیانگذاران این گروه در رابطه این موضوع می گوید: «این اولین ابداع در ادبیات مبارزه مسلحانه اسلامی بود چون تا قبل از این، ادبیات مبارزه مسلحانه اسلامی به مفهوم ناب وجود نداشت و هرچه بود همان ادبیات مارکسیستی مبارزه بود که از جنگهای «چه گوارا» و یا از چین و جاهایی نظیر آن اخذ شده بود». (15)

رضایی تا چندی پیش فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و در حال حاضر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشند وی اکنون کوشش می کند در عرصه های فرهنگی جهت حفظ نظام تلاش کند.

### 3) گروه توحیدی بدر

از افراد شاخص این گروه می توان به حسین فدایی، علی عسگری، حسن اسلامی، شهید طاهرنژاد، شهید فدایی و شهید اخوت اشاره کرد که اکنون دبیر کل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی است. فعالیت گروه توحیدی بدر بیشتر سیاسی بوده و به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی انجام می گرفت.

### 4) گروه فلاح

از افراد شاخص این گروه، می توان به شهید محمدمنتظر قائم\*، حسن منتظر قائم، مرتضی الویری اشاره کرد. این گروه به مانند گروههای گذشته فعالیت سیاسی داشت و مبارزات آنها به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی بود.

### 5) گروه توحید خلق

اعضای این گروه عمدتاً از دانشجویان مبارز مقیم آمریکا بودند؛ که می تان به حسن واعظی و مصطفی تاجزاده اشاره نمود.

### 6) گروه توحیدی صف

---

\* - شهید منتظر قائم که در حین بازدید از لاشه هواپیماها و هلی کوپترهای آمریکایی حادثه طیس به شهادت رسید؛ این هواپیماها و هلی کوپترها به دستور ابوالحسن بنی صدر بمباران شد.

از افراد شاخص این گروه می توان به شهید محمود بروجردی، سلمان صفوی، اکبر براتی ، حسین صادقی، محمد عطریانفر اشاره کرد. این گروه مستقر در تهران و اصفهان بود.

### 7) گروه موحدین

اعضای این گروه به فعالیت سیاسی مشغول بودند و مبارزات آنها هم به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی بود. گروههای مذکور در بهار 1358 به طور رسمی اعلام موجودیت کرده و فعالیت خود را به شکل مخفی و علنی، یا نیمه مخفی و نیمه علنی آغاز کردند. بعضی از این گروهها معتقد بودند که به سبب عدم انسجام کامل نظام جمهوری اسلامی در دوران اولیه انقلاب باید به شکل مخفی و نیمه علنی فعالیت کنند. شهید حسن علم الهدی دانشجوی رشته تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد بود. از افراد شاخصی بود که نقش حائز اهمیتی در تشدید این گروه داشت وی در مشهد با مقام رهبری آیت الله خامنی، شهید هاشمی نژاد و طبسی در ارتباط بود. پس از بازگشت به اهواز در سال 49 اقدام به تشکیل گروه موحدین نمود این گروه پس از حوادث سال 56 تبریز و قم نقش موثری در مبارزه علیه رژیم شاه داشت؛ در عین حال نقش این گروه در برنامه اقدام انقلابی «پل گریم» مستشار آمریکایی حائز اهمیت است.<sup>(16)</sup>

دلایل توقف فعالیتها و انحلال سازمان از دیدگاه مسئولین سازمان

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به سبب وجود اختلاف نظرها و تفکرات جدید در زمینه بسط و گسترش فعالیتهای سازمان دچار رکود گردید . و بعضی از اعضای آن مانند: بهزاد نبوی و محمد سلامتی و محسن آرمین، موسوم به جناح «چپ»، از سازمان جدا شدند؛ و افراد موسوم به جناح راست از جمله محسن رضایی، ذوالقدر، و راستی کاشانی که ایشان نماینده امام خمینی (ره) در سازمان بود در سازمان ماندند و به فعالیت سیاسی پرداختند. به نظر می رسد به سبب اینکه ذوالقدر و محسن رضایی سپاهی بودند، امام (ره) فعالیت آنها را در گروههای سیاسی منع کرد و آنها از سازمان بیرون آمدند که این مسئله به خودی خود، به انحلال سازمان انجامید .

این سازمان اعتقاد دارد یکی از عوامل انشعاب از دیگر گروههای سازمان را در برآوردهای تند جناح راست سازمان و حزب جمهوری اسلامی با دولت مهندس موسوی که این مسئله با میانگیری امام خمینی (ره) حل و فصل شد. سلامتی ، عامل دیگر فروپاشی سازمان را در مواضع منفی و برخوردهای پرخاشگرانه غیرعلمی می داند. در عین حال وی وجوه مشترک جناح راست سازمان و حزب را در غلبه افکار جناح راست سازمان می دانست. و می گوید: «جناح راست متهم شد که به ولایت فقیه اعتقاد ندارد و در جامعه هم این تلقی وجود داشت که آنچه امام می گوید، به ولایت فقیه اعتقاد ندارند و بعضاً به جای آن «ولایت فقه» می گویند.»<sup>(17)</sup> در عین حال رسائی کاشانی مخالفین خود را به عدم التزام شرعی و داشتن افکار التقاطی متهم می کرد.<sup>(18)</sup>

مواضع و دیدگاهها

اعضای سازمان در دوره جدید به طور کامل وابسته به جریان خط امام بودند و به همین دلیل فعالیتهای این سازمان در این مرحله از فعالیت، کمتر دچار تناقض یا دوگانگی بوده است. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را می توان نزدیکترین تشکل سیاسی ایران اسلامی به مفهوم واقعی «حزب» دانست.

با توجه به کادرهای ویژه ای که برای یک حزب سیاسی قائل شده اند، این سازمان تاکنون سعی کرده است تا خود را به مفهوم یک حزب واقعی نزدیک کند. آموزشهای سیاسی این سازمان بیشتر از طریق نشریه ای به نام «عصر ما» انجام می شود. این نشریه که ارگان این سازمان به شمار می رود، هر و هفته یک بار به چاپ می رسد. تشکیل جلسه های پرسش و پاسخ با حضور مسئولان این سازمان و علاقه مندان از دیگر مواردی است که این سازمان برای آموزش سیاسی به کار می برد. در عین حال هنوز این سازمان اقدام به برگزاری کنگره یا جلسه شورای عمومی ننموده است. و فعالیت آن به شکل نیمه مخفی می باشد.

با وجود آنکه احزاب معمولاً سعی می کنند «فراگیر» باشند، اما سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تاکنون از عضوگیری آشکار خودداری کرده است. تکیه اصلی این گروه در شرایط حاضر بر استفاده از کادرهای محدود، اما با کیفیت بالاست. از دیگر ویژگی های این سازمان حاکم بودن روحیه تشکیلاتی بر آن است. به همین دلیل نسبت به سایر تشکلهای و گروههایی که هم اکنون در کشورها مشغول به انجام فعالیت سیاسی هستند، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از محدود گروهها و تشکلهایی محسوب می شود که عقاید و دیدگاههای خود را در موارد بسیاری از ابعاد سیاست داخلی و خارجی کشور تبیین و روشن

ساخته است. در همین راستا این سازمان اولین تشکلی بود که سعی کرد طیفهای سیاسی موجود در کشور را با توجه به بعضی از معیارها و شاخصهای معمول طبقه بندی کند. حاصل این تلاش، تقسیم بندی گروههای سیاسی موجود در درون نظام به چهار گروه «راست سنتی»، «راست مدرن»، «چپ» و «چپ جدید» بود؛ البته برخی از منتقدان این تقسیم بندی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را با شرایط جامعه ایران همخوان نمی دانند. عده ای دیگر از منتقدان این دسته بندی، معتقدند که معیارهایی که برای تقسیم بندی در نظر گرفته شده است (در مورد همه گروهها و تشکلهای و جریانها یکسان و هماهنگ نبوده است) می تواند تبیین کننده مواضع تمام تشکلهای و گروههای سیاسی باشد. این عده براین باورند که اصطلاحات راست و چپ و... اصطلاحات وارداتی از غرب هستند و با فرهنگ و منش ایرانیان سنخیت ندارد.

از دیگر ویژگی های این سازمان سعی در تلفیق برخی دیدگاههای علمی و تئوریک علوم اجتماعی بویژه علوم سیاسی با مسائل روز ایران است. این تلاش اگرچه در برخی مواقع دارای سودمندی هایی بوده است، اما در برخی موارد نیز به دلیل پیچیده کردن فهم مطالب و مفاهیم تلفیق آنها برای عموم مردم مشکل ساز بوده است.

### الف: سیاست خارجی\*

از دیدگاه سازمان، در سیاست خارجی محور اصلی آمریکاست و اعتقاد بر استکبار ستیزی ملت دارد. بنابراین براین باور است که براساس همین مسلک سیاست خارجی خود

---

\* - مواضع حزب در دیدگاه مقایسه ای مجمع روحانیون و تشکلهای وابسته آمده است.

را ادامه دهیم. سازمان گسترش رابطه با همسایگان از جمله سوریه، یمن و سودان که مورد تهاجم آمریکا است را در اولویت قرار می دهند و با کشورهایی که مخالف آمریکا هستند، تاکید بر تقویت روابط دارد. در هر حال این سازمان ایجاد اتحادیه های منطقه ای، سیاسی و اقتصادی را جهت توسعه روابط خارجی مورد اهمیت قرار می دهد.

### ب: سیاست داخلی

استراتژی کنونی این سازمان بر محور «جلوگیری از حاکمیت انحصاری جناح بازار بر کشور» و دفاع از «جمهوریت نظام در کنار اسلامیت آن» استوار است. به اعتقاد این سازمان «استراتژی جناح خط امام علاوه بر حفظ هویت و کسب جایگاه واقعی خویش در عرصه سیاست کشور، جلوگیری از حاکمیت انحصاری جناح بازار است.» در یک موضعگیری دیگر این سازمان یادآور شده است: «به اعتقاد ما نه تنها جناح چپ، بلکه همه طیفها و جریانهای فکری و سیاسی که معتقد به وجود فضای بازسیاسی و برخورد سالم آرا و عقاید هستند، می بایست با تمام توان از روندی که منجر به حاکمیت انحصاری یک طیف خاص و خصوصاً طیفی که از نظر تئوریک حقی برای مردم و حقوق و آزادی های آنان قائل نیست و قادر به اداره کشور نیستند، ممانعت به عمل آورد.»

[یکم] قانون اساسی: دفاع از قانون اساسی و قانونمندی در اداره کشور یکی از مهمترین موضوعاتی است که مقامات این سازمان بر آن تاکید دارند. در همین راستا سازمان مذکور یکی از شرایط اصلی فعالیت گروهها و تشکلهای سیاسی در کشور را پایبندی به قانون



اساسی داشته که هر گروهی می تواند در چارچوب این قانون به فعالیت بپردازد. در واقع از نظر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، پذیرش قانون اساسی یکی از معیارهای تعیین کننده نیروهای خودی و غیرخودی نظام جمهوری اسلامی به شمار می رود.

[دوم] جایگاه دولت : سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دلیل تحلیل تئوریک خاص خود از شرایط جامعه ایران، معتقد به نوعی «دولت اقتدارگرا» است. یکی از موارد اختلاف این گروه با رقبای آن دقیقاً همین مفهوم متفاوتی است که این سازمان از دولت و جایگاه آن در ذهن دارد. این سازمان در بخشی از دیدگاههای خود در این باره بر این باور است که، برخلاف رویکردهای ضد دولتی سرمایه دارانه و به رغم وجود تئوری آدام اسمیت مبنی بر معجزه دست نامریی بازار، جامعه توسعه نیافته و عقب مانده ایرانی جز از طریق وجود «دولتی نیرومند»، «برنامه ریز» و «مداخله گر» به عنوان موتور محرک توسعه، راه به جایی نخواهد برد.

از لحاظ سیاسی این سازمان یکی از مشکلات فراروی ایران را در «عدم امنیت»<sup>\*</sup> در توسعه سیاسی می داند. بنابراین استحکام امنیت ملی از طریق تصویب قوانین اعمال نظارت بر ارگانهای مختلف کشور و پیگیری های متعدد، شناسایی ریشه های خشونت را مورد تاکید قرار می دهد.<sup>(19)</sup> در عین حالی که این سازمان عملاً در رابطه با اعمال نظارت شرکت پتروپاس که بهزاد نبوی مسئول آن بوده است و این شرکت زیر نظر دولت است. با توجه به دیدگاه آن که اعمال نظارت را مورد تایید قرار می دهد. نوعی پارادوکسیکال آشکار با

---

\* - ترور سعید حجاریان را یکی از عوامل عدم امنیت می داند

دیدگاههای آنها وجود دارد. اعمال نظارت در این مورد را نوعی «توهم توطئه» از سوی برخی جناحهای رقیب می دانند .

[سوم] اقتصاد: مخالفت با «سرمایه داری تجاری» موجود در جامعه ایران از ویژگی های اصلی تفکر اقتصادی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است . این سازمان در همین راستا به انحای مختلف درصد ثابت کردن نقش منفی دلالتها و عناصر طفیلی سرمایه داری تجاری در ایران است .

به اعتقاد این سازمان، متاسفانه قشر دلال پس از پیروزی انقلاب به حیات انگلی خود ادامه دادند و حتی قدرتمندتر از گذشته و بدون حضور رقبای مولد و مدرن خود (سرمایه داری صنعتی) به ترکتازی پرداخته اند و با بهره جویی از بی ثباتی سیاسی و اقتصادی سالهای اولیه پیروزی، بحرانی های ناشی از جنگ تحمیلی و سیاستهای ناصواب اقتصادی پس از جنگ نظیر دروازه های باز و غیره، فربه تر و ذی نفوذتر از گذشته حتی در صحنه های سیاسی به میدان آمده اند. از نظر اقتصادی این سازمان همچنین مخالف «سیاست تعدیل» بوده و معتقد است که این سیاست نمی تواند کارگشای مسائل اقتصادی کشور باشد.

از سوی دیگر این سازمان براین باور است که هر تفکر اقتصادی که در آن «عدالت اجتماعی» لحاظ نشود، نمی تواند مسیر توسعه اقتصادی در ایران را دنبال نماید. زیرا معتقدین این تفکر را باعث به بن بست رسیدن برنامه های اقتصادی و بدهکار نمودن کشور به خارج می دانند. در عین حال از دیدگاه سازمان در قانون اساسی جهت توسعه اقتصادی

«اقتصاد مختلط» مورد تاکید قرار گرفته است. یعنی باید بخش دولتی قوی تر، سپس بخشهای تعاونی و خصوصی در اولویت بعدی قرار گیرد که این دیدگاه را از لحاظ علمی مستدل دانسته، بطوری که دبیرکل حزب با انتقاد از بخش خصوصی سازی براین باور است که از لحاظ تئوریک و قابلیت این بخش با مشکل مواجه است که می توان گفت یک مرزبندی مشخصی میان سه بخش خصوصی، دولتی و تعاونی در ایران وجود ندارد. بنابراین دولت می بایست خط قرمز بخش خصوصی و دولتی و تعاونی را مشخص نماید. در عین حال عدم نظارت بر سیاست کنترل قیمتها و نرخ ارز و نیز رفع محدودیت از سیاستهای بازرگانی در سال 1374 را باعث تشدید تورم شده است. (21)

## انتخابات

### انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی ، مهمترین گروه وابسته به جناح خط امام بود که لیستی از نامزدهای مورد حمایت خود را در این انتخابات معرفی کرد . این لیست دربردارنده تعدادی از اعضای این سازمان ، تعدادی از نیروهای وابسته به خط امام و تعدادی دیگر از کاندیداهای وابسته به سایر جریانهای سیاسی بود. نمایندگان که از این سازمان به مجلس شورای اسلامی راه یافتند به همراه نمایندگان وابسته به گروه «جمعی از کارگزاران سازندگی» مجمع به نام «مجمع حزب الله» تشکیل دادند.

## دوره هفتم ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری از این نظر حائز اهمیت بود که جناحهای مختلف نظام هر کدام در رقابت بودند تا با معرفی کاندیدای خودشان وارد کارزار انتخابات ریاست جمهوری شوند. سلامتی دبیر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مورد انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری چنین می گوید: (22) «این انتخابات از نظر تاریخی زمانی صورت می گیرد که ترکیب و توازن قوا در جامعه بین المللی دگرگون شده است و ما از سوی آمریکا بسیار تحت فشار هستیم. از لحاظ داخلی سیاستهای اتخاذ شده تاثیرات عمیقی را در جامعه به وجود آورده است. تعدیل اقتصادی و شکاف بین طبقات و قوانینی که به تصویب رسیده پاسخگوی نیاز جامعه نیست و عدالت اجتماعی لحاظ نشده است.»

ایشان درباره افراد داوطلب در انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری چنین می گویند: «در این انتخابات اجماع روی شخص خاصی صورت نگرفته است. قبلاً جناحهای مختلف نظام بر روی فرد معینی به توافق می رسیدند، اما در این دوره اجماع نظر وجود ندارد و گروههای مختلف نظام در رقابت هستند تا هر کدام کاندیداهای خاص خود را معرفی کنند. در دوره پیش ناهمگونی که در این دوره وجود دارد، وجود نداشت و روند سیاسی طوری پیش می رفت که تغییر دیدگاه در اندیشه مندان به وجود آمده است.»

سلامتی در مورد وظایف رئیس جمهوری و مساله عدالت اجتماعی و مواضع رئیس جمهوری آینده در سیاست داخلی و خارجی و مسائل فرهنگی چنین می گوید: «رئیس جمهوری دومین شخص مملکت است و باید واجد شرایط خاصی باشد که بتواند این مقام را پذیرا باشد و به آنچه که می گوید معتقد باشد. مسئله گرانی، تورم و مسکن و غیره را

مدنظر داشته باشد. بایستی عدالت اجتماعی و توسعه را همراه با هم درنظر داشته باشد، در سیاست داخلی مخالف هر گونه انحصار طلبی باشد، تشکلهای سیاسی را تقویت و آنها را در جامعه فعال کند، مسئله قانون شوراهاى اسلامی را جدی بگیرد تا اینکه مردم در سرنوشت خودشان شرکت داشته باشند.

### مواضع سازمان در مورد گروههای رقیب

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی معتقد است که؛ از لحاظ حکومتی نیروهایی به نام خودی و غیرخودی نداریم، به این سبب از نظر دولت و حکومت تمام شهروندان خودی هستند. و هیچ شهروندی بردیگری برتری و تمایز ندارد. و همه حق رای دارند و دولتمردان بر دیگران برتری ندارند. و همه در برابر قانون مساوی هستند.

سازمان معتقد است که جناحهای مختلف از هردینی باشند، غیرخودی محسوب نمی شوند، اما از لحاظ تشکیلاتی و چارچوب ایدئولوژی این مسئله می تواند گروهها را به خودی و غیرخودی تقسیم کند، زیرا معتقدند که در چارچوب تشکیلات سیاسی نمی توان همه گروهها را خودی تلقی نمود.

دبیر کل سازمان در رابطه با گروههای خودی و غیرخودی می گوید: «سازمان مجاهدین انقلاب به سبب داشتن تفکر و ایدئولوژی اسلامی، با گروههای مارکسیستی اختلاف دارد. و نمی تواند گروههای مارکسیستی را خودی بنامد و این گروهها اگر قصد براندازی حکومت را نداشته باشند باید به آنها اجازه فعالیت سیاسی داد. و گروهی که به کلیت نظام و دیدگاه

سازمان مفید باشد خودی است.» (22)

در عین حال این سازمان از لحاظ تشکیلاتی تفکرات مکمل با خود را خودی و در غیر این صورت، غیرخودی محسوب می نماید.

## 1) نهضت آزادی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی معتقد است که نهضت آزادی دیدگاهش با دیدگاه سازمان مجاهدین در تناقض است . و حرکت‌های نهضت آزادی را خارج از قانون اساسی دانسته و حرمت‌های آنها را جهت محدود کردن آزادی ها و تحت فشار قرار دادن دولت خاتمی می داند. در این حال عملکرد گروه نهضت آزادی را جهت براندازی نظام ندانسته، هرچند که این نظام و چارچوب آن را و همچنین ایدئولوژی اسلامی را که در قانون اساسی وجود دارد، قبول ندارد. بنابراین از دیدگاه سازمان آنها را در قالب گروه‌های غیرخودی ها تعریف می شوند .

یکی از ویژگی های نهضت آزادی را «مظلوم نمایی» می داند و می گوید: «اینها راحت می توانند حرف بزنند و تحلیل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بدهد، اما چون در این زمینه ها حرفی برای گفتن ندارند، فقط مطالبی را با مظلوم نمایی در سطح جامعه و با فحش و ناسزا مطرح می کنند تا در سطح جامعه مطرح شوند.»<sup>(23)</sup>

از دیدگاه سازمان، ویژگی دیگر این گروه تحریک احساسات است . زیرا اعتقاد دارد نهضت آزادی با عملکرد خود و شرکت در میتینگ ها و شعارهایی که می دهد، این امر بوضوح دیده می شود. در هر حال از دیدگاه سازمان نهضت آزادی با توسل به شخصیتها،

درصد تغییر جو موجود به نفع خود است که این مسئله، سوءاستفاده از آزادی می دانند نه استفاده به حق از آزادی .

در عین حال سازمان معتقد است نباید صلتحیت این عناصر را در انتخابات رد کرد و اعتقاد دارد، جناح راست سنتی برای اینکه تعداد بیشتری از طرف مقابل را از دور خارج کند، صلاحیت تعدادی از آنها را تأیید کرد و این گروه، متوجه شدند، رای نمی آورند ، کنار رفتند. نهضت آزادی در انتخابات شوراها هم شرکت کرد و تا حدی نیز رای آورد. هر چند اینها زمینه کسب رای ندارند اما توانستند در انتخابات شرکت کنند.

نکته قابل بحث در رابطه با دیدگاه سازمان در مورد انتخابات این است که سازمان معتقد است نباید طرفداران نهضت آزادی رد صلاحیت شوند و از طرف دیگر معتقد است کسی که قانون اساسی و چارچوب نظام را قبول ندارد، غیرخودی است . موضع گیری این سازمان در قبال رد صلاحیت و یا تأیید صلاحیت سازمان با دیدگاه ایدئولوژی و قانون اساسی که سازمان مورد تأیید قرار می دهد، در تناقض می باشد. زیرا که یکی از شرایط افرادی که نامزد انتخاباتی می شوند، اعتقاد به قانون اساسی و ولایت فقیه است .

سازمان مجاهدین در رابطه با جناح راست معتقد است با توجه به اختلاف زیادی که با جناح راست دارد، اما به سبب اینکه این جناح، نظام و قانون اساسی را قبول دارد و قصد براندازی نظام را ندارد از گروه خودیهاست . و زمانی که این گروه قصد برخورد خصمانه با دولت خاتمی را داشته باشد جزء گروههای غیرخودی به شمار می آورد. بنابراین این دیدگاه با دیدگاه سازمان که اعتقاد به «نقادی»، «تساهل» و «مدارا» سنخیت ندارد.

از سوی دیگر سازمان معتقد است، طرح بحث شهروند درجه یک و دو، توسط جناح راست افراطی، باعث شد که نهضت آزادی بحث خودی و غیرخودی را مطرح نماید و روی آن را مانور بدهد. بحث شهروند درجه یک و دو جناح راست افراطی از منظر حکومتی مطرح است.

محمد سلامتی می گوید: «اعتقاد به وجود شهروند درجه یک و درجه دو یعنی اینکه جامعه به دو دسته تقسیم می شود یک دسته که حق رای دارند و به اسلام ناب محمدی معتقدند و دسته دیگر که حق رای ندارند و به اسلام ناب معتقد نیستند و آنهایی که به اسلام ناب معتقدند، می گویند همانا، فقط خود حق رای دارند که جمهوری ناب را تشکیل بدهند. آنها هم عده معدودند، تازه آنها که هم رای می دهند تشریفاتی است، حرف اصلی را چند نخبه می گویند. در نتیجه توده مردم حق رای ندارند محسوب می شود. وقتی که جناح راست این حرف را زد و یک عده مثل نهضت آزادی بهانه تراشی نمودند و دیدگاه ما را شبیه دیدگاه خود تصور کردند. آنها اصلاً به دموکراسی و انتخابات اعتقادی ندارند. به این جمهوری معتقد نیستند و برای رای مردم اهمیتی قائل نمیشوند و به مرید و مرادی اعتقاد ندارند.»<sup>(24)</sup>

## 2) جبهه مشارکت اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به سبب اینکه، جبهه مشارکت اسلامی از لحاظ تفکر به تفکر\* نیروهای سازمان نزدیک است، با این جبهه دارای اختلاف عقیده نیست. و «جبهه

---

\* . در عین حال مصطفی تاج زاده و سعید حجاریان هم اکنون عضو سازمان و جبهه مشترک هستند.



مشارکت اسلامی» را یک حزب می داند؛ در عین حال معتقد است که، چون جبهه مشارکت از احزاب مختلف تشکیل نشد، نمی توان آن را «جبهه» نامید.

سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می گوید: «درست است که جبهه مشارکت اسمی به نام «جبهه» روی خود گذاشته اما یک «حزب» است. جبهه معمولاً از احزاب و شخصیت‌های مختلف تشکیل می شود.»<sup>(25)</sup>

ایشان در جایی دیگر می گوید: «جبهه از شخصیتها و افراد تشکیل شده، نه از احزاب گوناگون»<sup>(26)</sup>

این سازمان معتقد است، جبهه مشارکت فقط اسم جبهه را یدک می کشد و یک حزب و تشکیلات سیاسی مستقل است و افرادی که در آن حزب عضو هستند؛ به عنوان شخصند و نماینده حزب و گروهی نیستند. بنابراین براین باور است که، جبهه باید از حالت دوگانگی میان «حزب» و «جبهه» بیرون آید. تا ابهامات برطرف گردد.\*

### 3) مواضع سازمان مجاهدین و دیگر گروههای «خط امام»

گروههای خط امام از عناصر زیر تشکیل شده اند که عبارتند از :

---

\* - به نظر می رسد جبهه مشارکت در بعضی موارد دارای اشکال می باشد؛ زیرا اگر جبهه مشارکت می خواهد کارکرد حزبی داشته باشد، بنابراین با تعریف حزب که باید دارای سازمانی منسجم و تفکرات مشترک و دارای سازمانهای محلی منسجم و فعالیت مستمر و تمام وقت باشد، سنخیت ندارد. در عین حال که بعضی از خصوصیات حزب را داراست. با توجه به تعاریف ویژگی های حزب در حال حاضر نمی توان این تشکیلات را «حزب» نامید. البته بعضی از خصوصیات یک حزب را دارا می باشند.

نکته دیگر اینکه، در مکورد حزب بودن جبهه مشارکت باید گفت، جبهه مشارکت دارای سازمان حزبی کامل و سازمانهای محلی به شکل حزب نیست. در عین حال این گروه از شخصیتها و گروههای مختلف با تفکرات متفاوت می باشد.

به عنوان مثال: می توان موضع گیری های این گروهها را بیشتر در مقابل عملکرد جناح راست در مقطعی خاص در نظر گرفت. چه بسا در درازمدت و شفافیت مواضع گروهها، این تشکیلات ضرورت دائمی پیدا نکند و تفکرات متفاوت دیگری در آن پدید آید و می توان این گروه را یک جناح نامید تا حزب!

1. مجمع روحانیون مبارز
2. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
3. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور (تحکیم وحدت)
4. انجمن اسلامی مهندسان
5. انجمن اسلامی جامعه پزشکی
6. انجمن اسلامی دانشجویان
7. جناح خط امام مجلس شورای اسلامی
8. انجمن اسلامی معلمان ایران

این گروهها به سبب تفکرات نزدیک به هم، مضمونهای مشترک، بیانیه ها و موضع گیری های مشابه نسبت به مسائل مختلف، آنها را یک تشکیلات «خط امامی» می دانند؛ که در اوضاع بحانی مواضع این گروهها در قبال مسائل مختلف بیشتر روشن می شود. در عین حال این سازمان اختلاف گروهها را سلیقه ای می داند نه عقیده ای؛ سلامتی در مورد مواضع سازمان نسبت به دیگر تشکیلات موازی و دفتر تحکیم وحدت می گوید: «اما هر تشکیلات در جریان کار سیاسی ممکن است برخی از اقداماتش اشکالاتی داشته باشد، لذا به عملکرد تشکیلات اشکال وارد می شود، این اشکالات به معنی غلط بودن ریشه ای کار آنها نیست، کسی که وارد کار سیاسی شد و دیکته نوشت، غلطهایش مشخص می شود. البته طبیعی است که ما به هیچ وجه انتظار نداریم کارهایی که دفتر «تحکیم وحدت» انجام می

دهد، کاملاً بی نقص و صددرصد درست باشد. ممکن است ما به برخی کارهای آنها اشکالات برادرانه بگیریم و می‌گیریم و...»<sup>(27)</sup>

### ارتباط سازمان و حزب «جمهوری اسلامی ایران»

این سازمان معتقد است که حزب به سبب ارتباطات نزدیکی که در دیدگاهها و تفکرات خود داشتند. و با هم هماهنگ عمل می‌نمودند، به طوری که در گذشته در انتخابات لیست مشترک ارائه می‌دادند.

سلامتی در مورد عملکرد حزب «جمهوری اسلامی ایران» می‌گوید: «حزب فقط کار سیاسی انجام می‌داد و سازمان هم کار سیاسی و هم کار نظامی انجام می‌داد».<sup>(28)</sup>

به هر حال این سازمان تاکنون همگام با مجمع روحانیون و دیگر تشکلهای وابسته در فرآیندهای سیاسی مختلف نظام نقش فعالی داشته است و در حال حاضر، با «جبهه دوم خرداد» و دیگر گروههای همفکر در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی و دوره هشتم ریاست جمهوری مواضع تقریباً یکسانی در قبائل مسائل مختلف نظام دنبال می‌کنند.

## منابع و مأخذ

1. بیانیه سازمان، 58/1/16
2. کیهان، 58/4/6
3. همان، 58/5/5
4. همان، 59/10/14
5. الف: تشکیلاتی که در اوایل انقلاب اسلامی تشکیل گردید.
- ب: تشکیلاتی که از سال 1370 کار خود را شروع نمود.
6. همان منبع
7. حریم شماره 39
8. همان
9. همان
10. محسن رضایی و ذالقدر از این گونه افراد بودند.
11. صبح امروز، 78/4/16
12. همان منبع
13. همان منبع، مصاحبه سلامتی
14. عصر ما، شماره 7، ص 6
15. همان
16. پیام انقلاب، زندگی نامه پاسدار شهید حسین علم الهدی، ص 59.
17. همان، 78/4/16

18. پریمی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، «علل ناکارآمدی مجمع روحانیون مبارز»

، ص.96

19. همان

20. محمد سلامتی، نشریه آذر، دیدگاههای اقتصادی سازمان، 79/2/24

21. سخنرانی در تالار ابوریحان، دانشگاه شهید بهشتی تهران، 76/2/1.

22. سلامتی ، محمد صبح امروز 78/4/16 .

23. همان

24. همان منبع 78/4/19

25. همان منبع

26. همان

27. صبح امروز، 78/4/19

28. همان